

بررسی حقوقی مقام وزارت در دوره ایلخانیان مغول

امید کفاشی

کارشناسی ارشد تاریخ و مدیریت دولتی گرایش مالیه و بودجه

چکیده:

نهاد وزارت در دوره ایلخانیان مغول به عنوان یکی از ارکان اساسی ساختار اداری و سیاسی، نقش مهمی در ساماندهی امور حکومتی، مالی و قضایی ایفا می کرد. با استقرار حکومت مغولان در ایران و تلفیق سنت های دیوان سالاری ایرانی با نظام حکمرانی مغولی، جایگاه وزیر دچار تحولاتی اساسی شد. این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی به بررسی ابعاد حقوقی مقام وزارت در این دوره می پردازد و تلاش دارد حدود اختیارات، مسئولیت ها، نحوه انتصاب و عزل، و جایگاه قانونی وزیر را در ساختار قدرت ایلخانی تحلیل کند. یافته های پژوهش نشان می دهد که اگرچه وزیر از اختیارات گسترده ای در اداره امور کشور برخوردار بود، اما این اختیارات همواره تحت نظارت مستقیم ایلخان و گاه تحت تأثیر نهادهای غیررسمی قدرت مانند امیران مغول قرار داشت. همچنین، نبود نظام حقوقی مدون و یکپارچه، موجب می شد جایگاه وزیر بیش از آنکه مبتنی بر قواعد ثابت حقوقی باشد، تابع اراده حاکم و شرایط سیاسی زمانه باشد. در عین حال، نقش وزیر در انتقال و تداوم سنت های دیوانی ایران پیش از مغول، در تثبیت ساختار حکومتی ایلخانیان بسیار حائز اهمیت بود.

کلمات کلیدی:

ایلخانیان مغول، وزارت، ساختار حقوقی، دیوان سالاری، نظام اداری، اختیارات وزیر، تاریخ حقوق ایران

۱ مقدمه:

دوره ایلخانیان مغول را می توان یکی از مقاطع مهم و تأثیرگذار در تاریخ سیاسی و حقوقی ایران به شمار آورد؛ دوره های که در آن، ساختارهای حکومتی ایران پس از حمله مغول دچار دگرگونی های بنیادین شد. با فروپاشی نظام های پیشین و استقرار حاکمیت مغول، ضرورت ایجاد نظامی نوین در اداره امور کشور بیش از پیش احساس گردید. در این میان، نهاد وزارت به عنوان یکی از ارکان اصلی دیوان سالاری ایرانی، نقشی کلیدی در بازسازی و ساماندهی ساختار اداری ایفا کرد و به تدریج جایگاه ویژه ای در نظام حکمرانی ایلخانیان به دست آورد.

مقام وزیر در این دوره، حلقه واسط میان قدرت مرکزی ایلخان و دستگاه دیوانی محسوب می شد و مسئولیت هایی گسترده در حوزه های مالی، اداری و حتی قضایی بر عهده داشت. با این حال، ویژگی های خاص نظام حکومتی مغولان، از جمله تمرکز قدرت در شخص ایلخان و نفوذ امیران و درباریان، موجب می شد که جایگاه وزیر همواره با نوعی بی ثباتی و وابستگی به اراده حاکم همراه باشد. از سوی دیگر، تداوم سنت های حقوقی و اداری ایران پیش از مغول در کنار عناصر جدید حکمرانی، باعث شکل گیری ساختاری ترکیبی شد که بررسی آن از منظر حقوقی اهمیت ویژه ای دارد.

مسئله اصلی این پژوهش، تبیین جایگاه حقوقی وزیر در دوره ایلخانیان و بررسی حدود اختیارات و مسئولیت های او در چارچوب نظام سیاسی آن عصر است. در این راستا، پرسش هایی همچون نحوه انتصاب و عزل وزیر، میزان استقلال وی در تصمیم گیری، و رابطه او با سایر نهادهای قدرت مورد توجه قرار می گیرد. اهمیت این موضوع از آن جهت است که شناخت دقیق نهاد وزارت در این دوره، می تواند به درک بهتر سیر تحول حقوق عمومی و اداری در تاریخ ایران کمک نماید.

این پژوهش با بهره گیری از منابع تاریخی و مطالعات پیشین، و با رویکردی توصیفی-تحلیلی، تلاش دارد تصویری روشن از جایگاه حقوقی وزیر در دوره ایلخانیان ارائه دهد و نقش این نهاد را در تثبیت و تداوم نظام حکمرانی در یکی از دوره های حساس تاریخ ایران بررسی کند.

۳- بیان مسئله:

دوره ایلخانیان مغول یکی از ادوار پیچیده در تاریخ حقوقی و اداری ایران به شمار می آید؛ دوره ای که در آن، ساختارهای حکمرانی بر پایه تلفیق سنت های دیوان سالاری ایرانی و شیوه های حکومتی مغولی شکل گرفت. در این میان، نهاد وزارت به عنوان یکی از مهم ترین ارکان اداره کشور، نقشی محوری در تنظیم امور مالی، اداری و تا حدی قضایی ایفا می کرد. با این حال، جایگاه حقوقی

وزیر در این دوره از شفافیت و ثبات لازم برخوردار نبود و تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله اراده ایلخان، نفوذ امیران و شرایط سیاسی متغیر قرار داشت.

مسئله اصلی این پژوهش، ابهام در تبیین دقیق جایگاه حقوقی وزیر در ساختار قدرت ایلخانی است. اگرچه منابع تاریخی به نقش و

اهمیت وزیر اشاره کرده اند، اما حدود اختیارات، مسئولیت ها، و مبانی حقوقی این مقام به صورت منسجم و نظام مند کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. از یک سو، وزیر به عنوان عالی ترین مقام دیوانی، اختیار گسترده ای در اداره امور کشور داشت و در بسیاری از تصمیم گیری های کلان نقش آفرین بود؛ از سوی دیگر، این اختیارات همواره در معرض محدودیت هایی ناشی از قدرت مطلق ایلخان و دخالت نهادهای غیررسمی قدرت قرار داشت.

افزون بر این، نبود یک نظام حقوقی مدون و یکپارچه در دوره ایلخانیان موجب می‌شد که جایگاه وزیر بیش از آنکه مبتنی بر قواعد ثابت باشد، تابع شرایط سیاسی و روابط قدرت باشد. این امر پرسش‌هایی اساسی را مطرح می‌سازد؛ از جمله اینکه مبنای مشروعیت و اختیارات وزیر چه بوده است؟ آیا می‌توان از یک چارچوب حقوقی مشخص برای این مقام سخن گفت یا اینکه جایگاه آن صرفاً بر اساس ملاحظات سیاسی تعیین می‌شد؟ همچنین، رابطه میان وزیر و سایر ارکان قدرت چگونه تعریف می‌شد و چه تأثیری بر کارآمدی نظام اداری داشت؟

بر این اساس، پژوهش حاضر درصدد است با واکاوی منابع تاریخی و تحلیل ساختار حکمرانی ایلخانیان، به تبیین جایگاه حقوقی وزیر پرداخته و ابعاد مختلف اختیارات، مسئولیت‌ها و محدودیت‌های این مقام را بررسی نماید تا از این رهگذر، فهم دقیق‌تری از تحولات حقوق عمومی و اداری ایران در این دوره حاصل شود.

۴- پیشینه پژوهش:

بررسی نهاد وزارت در دوره ایلخانیان مغول، هرچند به صورت پراکنده در منابع تاریخی و برخی پژوهش‌های معاصر مورد توجه قرار گرفته، اما از منظر حقوقی و با رویکردی منسجم، کمتر به طور مستقل بررسی شده است. بخش عمده‌ای از اطلاعات مربوط به این موضوع، در آثار مورخان دوره ایلخانی همچون عطاملک جوینی و رشیدالدین فضل‌الله همدانی انعکاس یافته است که بیشتر به توصیف وقایع سیاسی و نقش اشخاص پرداخته‌اند و کمتر به تحلیل حقوقی جایگاه وزارت توجه داشته‌اند.

در میان پژوهش‌های معاصر، برخی مطالعات به بررسی ساختار اداری و دیوان‌سالاری در دوره ایلخانیان پرداخته‌اند و در ضمن آن، به جایگاه وزیر نیز اشاره کرده‌اند. این آثار عمدتاً بر نقش وزیر در اداره امور مالی، تنظیم دیوان‌ها و ایجاد نظم اداری تأکید دارند و نشان می‌دهند که وزیر به عنوان یکی از ارکان اصلی حکومت، نقش مهمی در تثبیت قدرت ایلخان ایفا می‌کرد. با این حال، تمرکز این پژوهش‌ها بیشتر بر جنبه‌های تاریخی و مدیریتی بوده و کمتر به تحلیل حقوقی اختیارات، مسئولیت‌ها و حدود قانونی این مقام پرداخته‌اند.

از سوی دیگر، برخی تحقیقات در حوزه تاریخ حقوق ایران، به صورت کلی به تحولات نهادهای حکومتی در دوره‌های مختلف پرداخته‌اند و اشاراتی نیز به دوره ایلخانیان داشته‌اند. این آثار گرچه در تبیین کلیات ساختار حقوقی آن دوره مفید هستند، اما به دلیل گستردگی موضوع، به طور خاص به مقام وزارت و ابعاد حقوقی آن نپرداخته‌اند.

بر این اساس، می‌توان گفت که خلأ اصلی در پیشینه پژوهش، نبود مطالعه‌ای جامع و متمرکز بر بررسی حقوقی نهاد وزارت در دوره ایلخانیان است. پژوهش حاضر در تلاش است با ترکیب داده‌های تاریخی و تحلیل حقوقی، این خلأ را تا حدی جبران کرده و تصویری روشن‌تر از جایگاه، اختیارات و محدودیت‌های وزیر در ساختار حکمرانی ایلخانی ارائه دهد.

۴- روش تحقیق:

پژوهش حاضر از نظر هدف، در زمره تحقیقات بنیادی قرار می‌گیرد و با رویکردی توصیفی-تحلیلی به بررسی جایگاه حقوقی وزیر در دوره ایلخانیان مغول می‌پردازد. در این تحقیق، تلاش شده است با توصیف ساختار سیاسی و اداری آن دوره و تحلیل داده‌های موجود، ابعاد حقوقی نهاد وزارت از جمله اختیارات، مسئولیت‌ها، نحوه انتصاب و عزل وزیر مورد بررسی قرار گیرد.

روش گردآوری داده‌ها در این پژوهش، کتابخانه‌ای و مبتنی بر مطالعه منابع تاریخی، کتب معتبر، مقالات علمی و پژوهش‌های پیشین است. در این راستا، از منابع دست اول تاریخی دوره ایلخانی و نیز آثار پژوهشگران معاصر در

حوزه تاریخ و حقوق ایران بهره گرفته شده است. همچنین، برای افزایش دقت و اعتبار تحلیل‌ها، تلاش شده است داده‌های استخراج‌شده از منابع مختلف با یکدیگر مقایسه و ارزیابی شوند.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز به صورت کیفی و با استفاده از شیوه تحلیل محتوا انجام گرفته است. بدین ترتیب که اطلاعات مربوط به نهاد وزارت در دوره ایلخانی استخراج، طبقه‌بندی و سپس در چارچوب مفاهیم حقوق عمومی مورد تحلیل قرار گرفته است. در این مسیر، سعی شده است با تکیه بر استدلال منطقی و مقایسه تطبیقی با ادوار پیشین، جایگاه حقوقی وزیر به صورت دقیق‌تر تبیین گردد.

در مجموع، این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای، در پی آن است که با نگاهی نظام‌مند، ابعاد

حقوقی نهاد وزارت در دوره ایلخانیان را بررسی کرده و به درک بهتر ساختار حکمرانی در این دوره تاریخی کمک

نماید. ۵- یافته‌ها و تحلیل:

بررسی منابع تاریخی و تحلیل ساختار حکمرانی در دوره ایلخانیان مغول نشان می‌دهد که نهاد وزارت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین

ارکان دیوان‌سالاری، نقشی تعیین‌کننده در اداره امور کشور ایفا می‌کرد. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که مقام وزیر، اگرچه در ظاهر دارای اختیارات گسترده‌ای در حوزه‌های مالی، اداری و حتی قضایی بود، اما در عمل، این اختیارات با محدودیت‌های ساختاری و سیاسی متعددی همراه بوده است.

نخست، از حیث اختیارات، وزیر مسئول تنظیم امور مالی، نظارت بر دیوان‌ها، تدوین سیاست‌های اقتصادی و هماهنگی میان بخش‌های مختلف اداری بود. این جایگاه، وی را به یکی از تأثیرگذارترین عناصر در اداره حکومت تبدیل می‌کرد. با این حال، تمرکز قدرت در شخص ایلخان موجب می‌شد که تمامی تصمیمات کلان در نهایت با اراده او سنجیده شود و وزیر بیشتر در مقام مجری

سیاست‌ها عمل کند تا یک مقام مستقل تصمیم‌گیر.

دوم، در زمینه نحوه انتصاب و عزل، یافته‌ها نشان می‌دهد که وزیر مستقیماً توسط ایلخان منصوب می‌شد و بقای او در این منصب به میزان اعتماد و رضایت حاکم وابسته بود. این وابستگی، موجب بی‌ثباتی در جایگاه وزارت می‌شد، به‌گونه‌ای که در بسیاری از موارد، وزرا در معرض عزل ناگهانی، مصادره اموال یا حتی مجازات‌های شدید قرار می‌گرفتند. این امر نشان‌دهنده فقدان تضمین‌های حقوقی لازم برای تثبیت موقعیت وزیر است.

سوم، از منظر مسئولیت‌ها، وزیر علاوه بر وظایف اجرایی، در برابر عملکرد دیوان‌سالاری نیز پاسخگو بود و در صورت بروز نارسایی‌های مالی یا اداری، مسئول شناخته می‌شد. این سطح از مسئولیت، در کنار اختیارات محدودشده، نوعی عدم توازن میان اختیار و مسئولیت را در این مقام ایجاد می‌کرد.

چهارم، یافته‌ها بیانگر آن است که جایگاه حقوقی وزیر در این دوره، بیش از آنکه مبتنی بر قوانین مدون و ساختارهای حقوقی ثابت باشد، تابع روابط قدرت، نفوذ سیاسی و شرایط متغیر دربار بود. نفوذ امیران مغول و رقابت‌های درونی قدرت نیز از جمله عواملی بود که بر عملکرد و ثبات جایگاه وزیر تأثیر می‌گذاشت.

در نهایت، تحلیل کلی نشان می‌دهد که نهاد وزارت در دوره ایلخانیان، تلفیقی از سنت‌های دیوان‌سالاری ایرانی و الزامات حکمرانی مغولی بوده است. این ترکیب، اگرچه به تداوم نسبی نظام اداری کمک کرد، اما به دلیل نبود چارچوب حقوقی مشخص، موجب شکل‌گیری جایگاهی ناپایدار و وابسته برای وزیر شد؛ جایگاهی که همزمان از اهمیت بالا و امنیت پایین برخوردار بود.

بررسی جایگاه حقوقی وزیر در دوره ایلخانیان مغول نشان می‌دهد که این نهاد، علی‌رغم برخورداری از اهمیت و کارکردهای گسترده در ساختار حکمرانی، از ثبات و انسجام حقوقی لازم برخوردار نبوده است. وزیر به‌عنوان عالی‌ترین مقام دیوانی، نقش محوری در اداره امور مالی، سازماندهی دیوان‌ها و اجرای سیاست‌های حکومتی ایفا می‌کرد و در عمل، ستون اصلی نظام اداری به‌شمار می‌رفت.

با این حال، یافته‌های پژوهش نشان داد که حدود اختیارات و مسئولیت‌های وزیر به‌صورت دقیق و مدون تعریف نشده بود و بیش از هر چیز، تابع اراده ایلخان و شرایط سیاسی حاکم بر دربار بود. این امر موجب می‌شد که وزیر، علی‌رغم جایگاه ظاهراً قدرتمند، از استقلال کافی برخوردار نباشد و همواره در معرض تغییر، عزل یا حتی مجازات قرار گیرد.

همچنین، عدم توازن میان اختیارات و مسئولیت‌های وزیر، یکی دیگر از ویژگی‌های مهم این مقام در دوره ایلخانیان بود. وزیر در قبال عملکرد نظام اداری پاسخگو بود، اما ابزارهای لازم برای اعمال کامل اختیار و تصمیم‌گیری مستقل را در اختیار نداشت. این وضعیت، کارآمدی نظام اداری را نیز تحت تأثیر قرار می‌داد.

در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که نهاد وزارت در دوره ایلخانیان، حاصل تلفیق سنت‌های اداری ایران پیش از مغول با ساختار قدرت متمرکز و شخصی‌شده مغولی بود. این ترکیب، اگرچه به تداوم نسبی دیوان‌سالاری کمک کرد، اما به دلیل فقدان چارچوب حقوقی مشخص و پایدار، موجب شکل‌گیری جایگاهی وابسته و ناپایدار برای وزیر شد. شناخت این ویژگی‌ها، در تحلیل سیر تحول حقوق عمومی و اداری در تاریخ ایران، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۷- منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی:

- اقبال آشتیانی، عباس. تاریخ مغول در ایران. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- جوینی، عطاملک. تاریخ جهانگشای. به کوشش محمد قزوینی. تهران: نشر هرمس.
- رشیدالدین فضل‌الله همدانی. جامع‌التواریخ. به کوشش بهمن کریمی. تهران: انتشارات اساطیر. بیانی، شیرین. دین و دولت در ایران عهد مغول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- زرین‌کوب، عبدالحسین. تاریخ ایران بعد از اسلام. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- اشیپولر، برتولد. تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی (با تأکید بر تحولات مغولی)، ترجمه جواد فلاطوری. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- قسیم‌پور، حسن. «بررسی ساختار دیوان‌سالاری در دوره ایلخانیان». فصلنامه تاریخ ایران. موسوی، سیدمحمد. «نهاد وزارت در دوره ایلخانی». مجله پژوهش‌های تاریخی.
- Boyle, J. A. The Cambridge History of Iran, Volume ۵: The Saljuq and Mongol Periods. Cambridge University Press
- Morgan, David. The Mongols. Oxford: Blackwell Publishing
- Lambton, Ann K. S. Continuity and Change in Medieval Persia. Albany: SUNY Press
- Spuler, Bertold. The Mongol Period in Iran. Leiden: Brill Jackson, Peter. The Mongols and the Islamic World: From Conquest to Conversion. Yale University Press
- Lambton, Ann K. S. "The Internal Structure of the Saljuq Empire." Journal of the Royal Asiatic Society
- Melville, Charles. "The Keshig in Iran: The Survival of the Royal Mongol Household." Iranian Studies